**حکمت**

**حضرت بهاءالله:**

1 – " انصروا مالك البريّة بالأعمال الحسنة ثمّ بالحكمة والبيان كذلك أمرتم في أكثر الألواح من لدى الرّحمن إنّه كان على ما أقول عليما " (كتاب اقدس – بند 73)

2 - " يا أحبّاء اللّه اشربوا من عين الحکمة وسيروا في رياض الحکمة وطيروا في هواء الحکمة وتکلّموا بالحکمة والبيان کذلک يأمرکم ربّکم العزيز العلّام " (لوح منيع برهان ، ص ١٣٠ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی)

3 - " قل إنّ الحکمة رأس الأعمال ومالکها تمسّک بها ..." (ص ١٠٩ ج ٣ امر و خلق)

4 - " کن ناطقا بالحکمة وذاکرا بالحکمة ومعاشرا بالحکمة کذلک حکم من کان علی الأمر قويّا" (ص ١٠٩ ج ٣ امر و خلق)

5 - " يا أهل البها سخّروا مدائن القلوب بسيوف الحکمة والبيان إنّ الّذين يجادلون بأهواء أنفسهم أولئک في حجاب مبين . قل سيف الحکمة أحرّ من الصّيف وأحدّ من سيف الحديد لو أنتم من العارفين " (ص ١١١ الواح نازله خطاب بملوک)

6 - " إنّا نوصيکم بالحکمة حکمت اعمال و افعالی است که سبب اگاهی غافلهای عالم است و همچنين تقرّب ايشان است بحزب اللّه ... بايد حکمای ارض بکمال رأفت و محبّت عباد را بشريعة‌اللّه و مشرق عنايتش دعوت نمايند "

(ص ٢٦٠ گنجينه حدود و احکام)

7 - " و از حکمت ملاحظه مقامات است و سخن گفتن باندازه شأن و از حکمت حزم اس " (ص ١١١ ج ٣ امر و خلق)

8 - " بعضی از دوستان الهی حکمت را ملاحظه ننموده اند و از مقامش غافل شده و سبب گشتند در بعضی از بلاد ضوضاء مرتفع شد . بشنويد ندای مظلوم را و بآنچه در الواح نازل شده عامل شويد . تا سمع نيابيد لب نگشائيد و تا ارض طيّبه مبارکه مشاهده نکنيد بذر حکمت را وديعه نگذاريد . القاء کلمه الهی وقتی است که سمع و بصر مستعد باشند و همچنين ارض . بعضی در بعضی از احيان تکلّم نمودند بآنچه که ضرّش باصل سدره راجع است . قل يا قوم خافوا اللّه ولا تکونوا من الظّالمين . اتّقوا اللّه ولا تکونوا من الجاهلين . ارض جرز لايق انبات نه و سمع شرک لايق اصغاء کلمه توحيد نه "

(ص ٣ - ٤٠٢ ادعيه حضرت محبوب)

9 - " جميع امور به حکمت بايد واقع شود . امری که سبب ضوضای خلق شود البتّه مغاير حکمت است "

(ص ١١٦ ج ٣ امر و خلق)

10 - " يا حکيم حکمة‌ اللّه حافظ عباد است و نور من في البلاد لا زال کلّ را بحکمت و بيان و مقتضيات آن امر نموديم مقصود اينمظلوم از اوّل ايّام الی حين آنکه مذهب اللّه را سبب بغضاء ننمايند " (ص ١٠٨ ج ٣ امر و خلق)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بيان مراعات مقتضيات مکان و وقت شده . مراد سکون روحی و شؤون عنصری نبوده بلکه مراد الهی اين بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بی نفع . ماء فيض الهی بر ارض طيّبه نازل گردد نه ارض جرزه والّا خاموشي شمع را حکمت نتوان گفت و پريشانی جمع را علامت وحدت نتوان شمرد . افسردگی و مردگی ، حيات و زندگی تعبير نشود و ناتوانی و درماندگی هوشمندی و زيرکی نگردد " (ص ٢٦١ گنجينه حدود و احکام بنقل از ج ١ مکاتيب)

2 - " و حکمت اينست که بمدارای الهی و محبّت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبليغ نمايد نه اينکه به صمت و سکوت پردازد و بکلّی فراموش نمايد . خلاصه احبّای الهی را فردا فرد به تبليغ امراللّه تشويق نمائيد که حکمت مذکوره در کتاب ، نفس تبليغ است ولی بمدارا " (ص ٢٦١ گنجينه حدود و احکام)

****